

"The Relationship between Nuclear Weapons, production and the Verse" "وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ": A Study on the Possibility of Jurisprudential Reconsideration"

Muhammad Imami¹

Abstract:

Since ancient times, the defense of life, religion, and homeland has been a key issue for humanity, and they have utilized various tools to deter aggression and invasion, which is today termed "deterrent power." The Holy Quran, in Verse 60 of Surah Al-Anfal, has commanded the believers to prepare whatever creates deterrence against enemies. The generality of the word "مِنْ قُوَّةٍ" (from strength), encompasses all military and non-military deterrent tools and has no limitation. On the other hand, Imam Khamenei (the Martyred Leader) has issued a fatwa prohibiting the construction of nuclear weapons. The main question is whether this fatwa is a fixed, unchangeable primary ruling or a secondary ruling that is changeable?

This article, through qualitative content analysis of the provisions of the noble verse and the indications present in the Leader's statements—such as the invalidity or harm of nuclear weapons for Iran, or the extravagance in their construction due to the prohibition of their use—has examined the relationship between the fatwa of prohibiting the construction of nuclear weapons and the generality of Verse 60 of Sūrat al-Anfāl. The study concludes that this fatwa is a secondary ruling resulting from the occurrence of secondary titles (such as invalidity, harm, and waste), and if these titles change, there is a possibility of changing the fatwa.

Keywords: Nuclear Fatwa, Construction of Nuclear Weapons, Deterrence, Secondary Title, Strength.

¹ Associate professor, Department of Jurisprudence and fundamentals of Islamic Law, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. [Dr. Imami@Razavi.ac.ir](mailto:Dr.Imami@Razavi.ac.ir) .

تحلیل رابطه ساخت سلاح هسته ای با آیه "وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ" و امکان سنجی تغییر فتوای حرمت

محمد امامی^۲

چکیده:

از دیرباز، دفاع از جان، آیین و میهن از موضوعات کلیدی برای انسان‌ها بوده و آنان از ابزارهای گوناگون برای مقابله با دشمن و بازدارندگی از حمله و تجاوز بهره جسته‌اند که امروزه «قدرت بازدارنده» نامیده می‌شود. قرآن کریم نیز در آیه ۶۰ سوره انفال، مؤمنان را به تهیه هر آنچه بازدارندگی در برابر دشمنان ایجاد کند، امر نموده است. عموم این آیه شامل تمام ابزارهای بازدارنده نظامی و غیرنظامی است و محدودیتی ذاتی ندارد. از سوی دیگر، امام خامنه‌ای (رهبر شهید) فتوای حرمت ساخت سلاح هسته‌ای صادر کرده‌اند. سؤال اصلی این است که رابطه این دو چیست و آیا این فتوا حکم اولی ثابت و غیرقابل تغییر (مخصص عموم آیه) است یا حکم ثانویه و قابل تغییر؟ این مقاله به شیوه کیفی و مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی متون فقهی و بیانات رهبر شهید و بر اساس مفاد آیه شریفه و قرائن موجود در بیانات رهبری، مانند لغو بودن یا ضررداشتن سلاح هسته‌ای برای ایران، یا اسراف و تبذیر بودن ساخت آن به دلیل حرمت استفاده از آن، رابطه فتوای حرمت ساخت سلاح هسته‌ای با عموم آیه ۶۰ انفال و تبیین ماهیت آن به عنوان حکم اولی یا ثانویه را بررسی نموده و به این نتیجه دست یافته است که این فتوا حکم ثانویه و ناشی از عارض شدن عناوین ثانویه (مانند لغویت، ضرر، و تبذیر) بوده و در صورت تبدیل این عناوین، امکان تغییر فتوای حرمت به جواز وجود دارد.

کلمات کلیدی: فتوای هسته ای، بازدارندگی، عنوان ثانوی، قوه، ساخت سلاح هسته ای.

۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران؛ Dr.Imami@Razavi.ac.ir

دفاع از دین، آئین و میهن از دیر باز مورد اهتمام انسانها و جوامع انسانی بوده است. از این روی همواره افراد، قبایل، ملتها و کشورها ابزار دفاع از خود را تهیه نموده و در صورت لزوم برای حفظ جامعه خود، در مقابل متجاوزین جنگیده اند. آموزه های اسلامی نیز دفاع از خود و جامعه را به عنوان یک اصل اساسی مورد تاکید قرار داده است. آموزه های قرآن کریم نیرومند شدن جامعه در مقابل دشمنان را از آرزوهای دیرین خوبان درگاه خدا، پیامبران و مصلحان به منظور حمایت از مستضعفان در مقابل سرکشان، مستکبران و متجاوزان شمرده شده است. حضرت لوط بر اساس گزاره های قرآنی می گوید: " قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ ؛ ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم؛ یا تکیه گاه و پشتیبان محکمی در اختیار من بود " (هود: ۸۰). بررسی آیات قرآن کریم نشان می دهد که خداوند نسبت به این مسئله اهتمام جدی داشته و در کنار این فراخوان، فلسفه آن را نیز مطرح نموده است که بازدارندگی در مقابل دشمنان است. قرآن کریم بر این مطلب تاکید می نماید که تهیه انواع سلاح، تجهیزات، امکانات و آنچه می تواند موجب بازدارندگی دشمن و کاهش تهدید از سوی وی گردد امری لازم و ضروری است؛ آنجا که می فرماید: " وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ ؛ هر نیروئی در قدرت دارید برای مقابله با آنها (دشمنان) آماده سازید و اسب های ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید (انفال: ۶۰). در آیات متعدد دیگری نیز بر عزتمندی، برتری و علو جامعه اسلامی تاکید می کند.

امام شهید خامنه ای نیز در مورد اهمیت برخورداری از قدرت دفاعی می فرمایند: دفاع جزئی از هویت یک ملت زنده است. هر ملتی که نتواند از خود دفاع بکند زنده نیست، هر ملتی هم که به فکر دفاع از خود نباشد و خود را آماده نکند در واقع زنده نیست، و هر ملتی هم که اهمیت دفاع را درک نکند به یک معنا زنده نیست. بنابراین ما دفاع مشروع را حق خود می دانیم چرا که تنها چیزی که می تواند کشور ایران و نظام اسلامی را حفظ کند استحکام داخلی و عزم جزم بر دفاع مشروع و منطقی است. (بیانات رهبری شهید، ۸۶/۸/۲۹)

از دیگر سوی، قبل از انعقاد توافقنامه برجام رهبر شهید (رضوان الله تعالی علیه) فتوای معروف هسته ای خود را صادر نمود. این فتوا که در مناسبت‌های مختلف از سوی آن مرجع تقلید شیعه، و رهبر جمهوری اسلامی ایران باعبارات گوناگون مطرح شد در واقع پاسخی بود به ادعای غربیها که برنامه اتمی ایران نظامی است و ایران مخفیانه به دنبال ساخت سلاح هسته ای است. متن فتوای معظم له که در تاریخ ۲۸ فروردین ۱۳۸۹ در پیام رسمی ایشان به «نخستین کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح هسته ای و عدم اشاعه» توسط دکتر علی اکبر ولایتی خوانده شد آمده است که: "به اعتقاد ما افزون بر سلاح هسته ای، دیگر انواع سلاح های کشتار جمعی، نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدیدی جدی علیه بشریت تلقی می‌شوند. ملت ایران که خود قربانی کاربرد سلاح شیمیایی است، بیش از دیگر ملت ها خطر تولید و انباشت این گونه سلاح ها را حس می‌کند و آماده است همه امکانات خود را در مسیر مقابله با آن قرار دهد. ما کاربرد این سلاح ها را حرام و تلاش برای مصونیت بخشیدن ابناء بشر از این بلای بزرگ را وظیفه همگان می دانیم."

اکنون مسئله ای که مطرح است این است که رابطه این فتوا با مفاد آیه ۶۰ سوره انفال که دستور به تهیه تمام تجهیزات ممکن جنگی برای بازدارندگی می دهد چیست؟ آیا این فتوا همیشگی و ثابت است و ساخت سلاح هسته ای از تحت آیه خارج می باشد یا فتوای موقت و متغیر و به دلیل عارض شدن عنوانی ثانوی است که از باب حکم ثانوی و به طور موقت از شمول آیه خارج است؟

برای این که بتوانیم فتوای مزبور را تحلیل فقهی نموده و چگونگی آن را مشخص کنیم، ابتدا باید آیه ۶۰ بقره مورد مطالعه قرار گیرد و گستره آن روشن شود، آنگاه بیانات مختلف رهبر شهید در مورد این مسئله مرور گردد و ادبیات ایشان در این خصوص را مطالعه نماییم.

پیشینه تحقیق:

۱. علی دوست (۱۳۹۲) پس از اشاره به دیدگاه سایر فقیهان مسلمان در مورد سلاح کشتار جمعی و بیان ادله آن، به واکاوی ابعاد فتوای هسته ای رهبر شهید می پردازد و با توجه به این که این نظریه به عنوان

اعلان و اخبار دیدگاه شارع و مستفاد از ادله عقلی و نقلی ماندگار شرعی است، آن را از مقوله فتوا و حکم اولیه و ثابت می داند.

۲. فاضل لنکرانی (۱۳۹۲) به استناد دلیل عقل و برخی از آیات و روایات، نتیجه می گیرد که حتی در فرضی که دشمن از آن استفاده نماید، اسلام اجازه استفاده از آن را نمی دهد و این یک حکم اولیه و همیشگی و غیر قابل تغییر است.

۳. شهابی سیرجانی (۱۳۹۳) این فتوا را با اسناد بین الملل مقایسه نموده و نتیجه گرفته است که ایران علاوه بر این که پیمان منع تولید و اشاعه سلاح های کشتار جمعی را پذیرفته، فتوای مرجعیت دینی مبنی بر حرمت آن را نیز دارد و از آنجا که این فتوا برخاسته از متون و دلایل و مستندات دینی است الزام بیشتری برای ایران ایجاد می کند.

۴. کلاتری (۱۳۹۶) به این نتیجه رسیده است که از طریق قدرت موشکی و توان نهضتی، تهدیدات امنیتی، منطقه ای و فرامنطقه ای خنثی می شود و به همین دلیل اقتدار دفاعی همه جانبه ضمن خنثی کردن انواع تهدیدات سخت، نرم و هوشمند، باعث اقتدار سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه و جهان شده است.

۵. الاهی (۱۳۹۹) مبانی دفاعی و فلسفه وجودی جهاد و دفاع را مورد بررسی قرار داده است، اما به مبانی قدرت و آمادگی دفاعی پرداخته است.

۶. سلیمانی و همکاران (۱۴۰۰) با مطالعه ادله قرآنی فتوای مزبور چنین نتیجه می گیرد که این فتوا ناشی از تقیه، الزامهای بین الملل یا در اثر فشار از سوی دشمنان نیست، بلکه خاستگاه آن آیات قرآن است و از این روی صرفاً یک نظریه موقتی ناشی از اقتضائات زمانه نیست، بلکه فتوایی ثابت است.

۷. پور امینی (۱۴۰۲) پس از تبیین سلاح هسته ای و قوانین و اسناد بین الملل در مورد آنها و تبیین انواع حکم شرعی بر آن است که چون این فتوا در دستگاه اجتهاد و مبتنی بر ادله فقهی صادر شده، یک حکم فقهی ثابت است و شامل بکارگیری و نیز ساخت سلاح هسته ای است.

۸. ایزدی و پور امینی (۱۴۰۴) به این نتیجه رسیده اند که از آنجا که این فتوا در دستگاه اجتهاد و مبتنی بر ادله فقهی صادر شده یک حکم اجتهادی اولیه و ماندگار است و شامل بکارگیری و نیز ساخت سلاح هسته ای است.

در این جستار پس از تبیین گستره دلالتی ایه ۶۰ سوره انفال و تنقیح موضوع فتوای هسته ای با استناد به منابع فقهی به تحلیل ماهیت آن پرداخته می شود. این مقاله بین بکارگیری و ساخت سلاح هسته ای تفکیک قائل شده و بکارگیری آن را اصولاً حرام شرعی از نوع احکام اولیه می داند. اما در مورد ساخت آن، نظریه متفاوتی را مطرح می نماید که مستند به بیانات آن شهید و تفکیک موجود در بیانات ایشان است. نوآوری این مقاله در همین موضوع است و این که حرمت ساخت آن ناشی از عارض شدن عناوین ثانوی است و در صورتی که این عناوین ثانوی مرتفع گردد، عموم ایه سوره انفال دال بر جواز ساخت می باشد.

۱. جایگاه بازدارندگی در قرآن

اقتدار دفاعی و ملی یک جامعه در همه حوزه های نظامی، سیاسی، اجتماعی، علمی و... عامل مهمی برای بازدارندگی آنان از حرکات تهاجمی و ایدایی می باشد. «بازدارندگی» یعنی هر یک از طرفین درگیری، طرف مقابل خویش را بدون بکارگیری قوه قهریه نظامی و تهاجمی بلکه تنها با استفاده از تهدید و داشتن بالاترین سطح آمادگی که از راه های گوناگون اقتدارش را به دشمن تفهیم نماید. در نتیجه دشمن را به این باور می رساند که هرکنش دشمن، واکنشی سخت و سهمگین را به همراه دارد و نقشه هایش را نقش بر آب نماید، و او را از هرگونه تهاجم نظامی بازدارد (نک؛ قاسمی، ۱۳۸۳، ص ۸۷).

۱-۱. قرآن کریم در این مورد می فرماید: (وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ)؛ آنچه از نظر نیرو و قوا می توانید، در مقابل دشمن آماده نمایید، زیرا به وسیله آن دشمنان خدا و

رسول را به وحشت می‌اندازید. (انفال: ۶۰) سیاق این آیه و ظاهر آن درباره جنگ با کفار است و تهیه ساز و برگ نظامی که این یک ضرورت برای حفظ هر جامعه‌ای است. در تفسیر این آیه برخی از محققان می‌گویند: «البته این قوه و نیرو فرق می‌کند. چه این که زمانی تیر و نیزه و شمشیر و منجنیق بود و در عصر ما توپ است و تانک و پیاده و...» (قربانی لاهیجی، ۱۳۸۰ ش، ج ۶، ص ۲۱۸).

به نظر می‌رسد حکم آیه منحصر به ابزار نظامی نیست بلکه ممکن است تعمیم داشته باشد و می‌توان گفت کلمه من قوه هر عاملی را که موجب قدرت بازدارندگی جامعه اسلامی در برابر تهدیدات باشد، شامل است. عموم این واژه که به صورت نکره استعمال شده شامل نیروی انسانی توانمند، اسلحه و جنگ‌افزار مدرن، اقتصاد توانا و کارا، قدرت تولید بالا، مدیریت صحیح، بالا بردن توان نظام اسلامی و مواردی از این قبیل می‌باشد. علامه طباطبایی در این زمینه می‌گوید: درواقع غرض اصلی از تهیه نیرو، تجهیزات و... این است، که به قدر توانائیشان بتوانند دشمن را دفع کنند، و مجتمع خود را از دشمنی که جان و مال و ناموس‌شان را تهدید می‌کند حفظ نمایند، و دشمن را از دشمنی‌اش باز دارند. پس مؤمنان باید در این راه مجاهده واقعی نمایند؛ یعنی بالاترین و آخرین حد توانمندی و وسع و قدرت خود را در دفع دشمن به کار گیرند (طباطبائی ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۱۵۱). از این رو، هدف از آماده کردن نیرو از جمله سلاح و تجهیزات، ترساندن دشمنان شناخته و ناشناخته خداوند و مسلمانان است که امروزه آن را قدرت بازدارندگی می‌نامند. به دیگر سخن، مهیا کردن نیرو برای دفاع از حقوق جامعه اسلامی و منافع حیاتی آن، و نشان دادن نیروی آماده، ترس دشمن را به دنبال دارد که خود، نوعی دفاع است. در نتیجه مسلمانان در تهیه سلاح و تجهیزات و کسب آمادگی تسلیحاتی و تجهیزاتی باید به اندازه‌ی تلاش کنند که به قدرت بازدارندگی منطقه‌ای و جهانی برسند. زیرا بازدارندگی منطقه‌ای و کنترل تحرکات دولت‌ها و کشورهای همسایه و وادار نمودن به تعامل احترام‌آمیز براساس حفظ حقوق متقابل این پیام را به دشمنان فرامنطقه‌ای مخابره می‌کند، که جایگاه این کشور در منطقه با اهمیت، تعیین‌کننده، با ثبات و رفیع است.

بازدارندگی زمانی تحقق می‌یابد که یک کشور یا حکومت تمام راه‌های ثبات و دفاع از حیاتش را از تجهیز به تسلیحات نظامی و امکانات پیشرفته‌تر از سلاح دشمن، متناسب با آخرین فناوریهای روز و زمانه خویش، و هرآنچه که در این راه از امور مادی و معنوی نیاز می‌بیند، قبل از این که خطری او را تهدید نماید خود

را بدان مجهز می‌سازد تا دشمن مرعوب توان‌مندی‌های فوق‌العاده آنان شود و این رعب مانع از تجاوز آنان به بلاد اسلامی، منافع مسلمانان، جان و ناموس آنان در داخل و بلکه خارج بلاد اسلامی شود(نک. رشید رضا، ۱۹۹۰م، ۱۱ج: ص ۲۳۰)

۲-۱. قرآن کریم در جایی دیگر می‌فرماید (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ، وَ لِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً، وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ) «ای اهل ایمان! با کافرانی که هم‌جوار شما هستند، نبرد کنید و آنان باید در شما سرسختی و شدت یابند و بدانید که خدا با پرهیزکاران است»(توبه: ۱۲۳).

آیه شریفه می‌فرماید (وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً) یعنی باید دشمنان اسلام درشتی، قدرت و هیبت و قوت حس کنند و این درشتی و قدرت به عنوان امری که لازمه مقابله است، ذکر شده است؛ بنابراین آن چه از عبارت فوق می‌توان برداشت کرد که رفتار مسلمانان در مقام دفاع و ایستادگی باید به گونه ای باشد که دشمنان هوس توطئه علیه مسلمانان را از سر بیرون نمایند قرآن کریم مسلمانان را به جهاد فرا می‌خواند و ودعوت به آمادگی برای مقابله نظامی و دفاعی تنها به همین منظور و هدف است، لذا آیه شریفه مجوزی برای داشتن سلاح های پیشرفته و به روز به منظور عاملی بازدارنده در برابر دشمنان و جلوگیری از تهدید و حمله نظامی آنان می باشد. معنای "غلظه" در جمله (وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً) شدت و سرسختی نشان دادن بخاطر خداست، و معنایش این نیست که با کفار خشونت و سنگدلی و بد اخلاقی نشان دهید، زیرا این معنا با اصول دین اسلام سازگار نیست، و معارف اسلامی همه آن را مذمت و تقبیح کرده‌اند، و آیات مربوط به جهاد هم از هر تعدی و ظلم و جفایی نهی کرده است(طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۵۵۱)

دستوری که در زمینه جهاد، در آیه فوق می‌خوانیم، دستور شدت عمل است، آیه می‌گوید دشمنان باید در شما یک نوع خشونت احساس کنند (وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً) اشاره به اینکه تنها شجاعت و شهامت درونی، و آمادگی روانی برای ایستادگی و مبارزه سرسختانه با دشمن کافی نیست، بلکه باید این آمادگی و سرسختی خود را به دشمن نشان بدهید، و آنها بدانند در شما چنین روحیه‌ای هست، و همان سبب عقب‌نشینی و شکست روحیه

آنان گردد، و به تعبیر دیگر وجود قدرت کافی نیست، بلکه باید در برابر دشمن نمایش قدرت داد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۹۸)

۳-۱. گستره شمول آیه انفال

گستره و شمول آیه از جهات مختلفی قابل بررسی و مذاقه است که برای تحلیل ماهیت و چیستی فتوای هسته ای باید این گستره بررسی شود.

۱. شمول افرادی آیه؛ آیه شریفه مسئولیت تمهید بازدارندگی در مقابل دشمن را به همه مردم واگذار نموده است و مخاطب آیه عموم مسلمانان هستند نه فقط پیامبر اکرم به عنوان حاکم. علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه "وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ.." بخشی را مطرح نموده می فرماید: دشمن منافع تک تک افراد جامعه را تهدید می کند و لذا وظیفه فرد فرد جامعه است که ابزار دفاع از آن را تهیه کنند گرچه مسئولیت اصلی به عهده حکومت است. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۱۱۵). قرینه ای که در آیه وجود دارد و این نکته را تایید می کند این است که بر خلاف آیات قبلی این سوره که مخاطب آن پیامبر اکرم می باشد، در این آیه همه مسلمانان مخاطب هستند. این تغییر خطاب در آیه که از صناعات ادبی است مفید این معنا است که گرچه این حکومت است که وظیفه اصلی تهیه امکانات دفاعی را به عهده دارد اما فرد فرد جامعه نیز در این موضوع مسئولیت دارند.

۲. عموم ازمانی؛ نکته دیگر قابل استفاده از آیه عموم ازمانی آن است بدین معنی که تمهید قدرت بازدارندگی برای مسلمانان اختصاص به زمان پیامبر اعظم ندارد. این دستور در تمام زمانها پابرجا است و مسلمانان در هر عصری باید به اقتضای زمان آن عصر از تجهیزات و امکاناتی که می تواند موجبات بازدارندگی را فراهم آورد برخوردار باشد. شاهد بر این مطلب این که مخاطب آیه مسلمانان هستند نه پیامبر اکرم و یاران و یا همراهان ایشان. به عبارتی دیگر آیه دارای عموم ازمانی است و همانند سایر احکام اسلامی تا روز قیامت پا برجا است. همچنین این دستور در خصوص زمان جنگ نیست بلکه جامعه در هر زمانی باید به دنبال تامین قدرت بازدارنده باشد.

۳. شمول نوعی کلمه قوه ؛ کلمه "قوة" در آیه شریفه دارای عموم افرادی است زیرا کلمه قوه بیان است برای مای موصوله در عبارت "ما استطعتم" که دال بر عموم است. از این روی، این دستور نه تنها هر گونه تجهیزات جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصری را در بر می‌گیرد، بلکه تمام عوامل و نیروهای را که به نوعی در پیروزی بر دشمن اثر دارد شامل می‌شود، اعم از نیروهای مادی و معنوی. بنا براین علاوه بر اینکه باید از پیشرفته‌ترین سلاح‌های هر زمان به عنوان یک وظیفه قطعی اسلامی بهره‌گیری کرد، باید به تقویت روحیه و ایمان سربازان که قوه و نیروی مهمتری است پرداخت. از قدرت‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، که آنها نیز در مفهوم (قوة) مندرج هستند و نقش بسیار مؤثری در پیروزی بر دشمن دارد نیز نباید غفلت کرد. ایمان و اعتقاد و توکل نیروها به خداوند و اعتقاد به نصرت الاهی نیز نباید مورد غفلت قرار گیرد. رهبر شهید انقلاب می‌فرماید "به قدر ثقل کاری که به او (فرمانده) محول می‌کنید، باید ظرفیت ایمانی داشته باشد اگر نداشت فایده‌ای ندارد. ... هرچه سطح کار بالاتر می‌آید باید ایمانش بیشتر باشد ... حقیقتاً مومن باشد و باور آورده باشد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندان نظامی و انتظامی، ۶۹/۱/۲۲؛ به نقل از قربانی، ۱۳۹۹، ص ۲۱).

قرینه بر این عموم آن است که اولاً کلمه مای موصوله که در این آیه به کار رفته دال بر عموم است که نه تنها هرگونه صلاح و تجهیزات جنگی بلکه هر آنچه را که در تقویت یک ملت و کشور تاثیر گذار است شامل شده و دستیابی به آن را لازم برمی‌شمارد. ثانیاً در ادامه آیه فلسفه و بلکه دلیل لزوم گرد آوری ساز و برگ نظامی بیان شده که به وحشت انداختن دشمن است.

در نتیجه، از این آیه می‌توان برداشت نمود که تامین تسلیحات برای جامعه اسلامی لازم است هرچند در حال جنگ نباشد و نیز هرچه موجب رعب و وحشت دشمن است باید گرد آوری شود تا موجب بازداشتن دشمن از تجاوز شود و کشور در آستانه جنگ قرار نگیرد. سیاق این آیه و ظاهر آن درباره جنگ با کفار است و تهیه ساز و برگ نظامی و اکثر مفسرین نیز آن را به خصوص تیر و نیزه یا مطلق سلاح تفسیر نموده اند (نک. ابن جوزی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۵۴؛ سیوطی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۹۲؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۱۱۵) طبیعی است که نوع و کیفیت تسلیحات مورد نظر در زمانهای مختلف متفاوت است و باید به اقتضای زمان باشد. در تفسیر این

آیه برخی از محققان می‌گویند: «البته این قوه و نیرو فرق می‌کند. چه این که زمانی تیر و نیزه و شمشیر و منجنیق بود و در عصر ما توپ است و تانک و طیاره و...» (قربانی، ۱۳۸۰، ج ۶، ص ۲۱۸) موضوع این آیه گردآوری تسلیحات به منظور ایجاد قدرت بازدارندگی است و منافات ندارد که بکارگیری برخی از سلاحها مانند سلاحهای کشتار جمعی ممنوع و حرام باشد. بلی اگر عنوان دیگری بر آن عارض شود مانند ضرری بودن یا لغویت و ...، در این صورت می‌تواند حکمی دیگر داشته باشد.

در روایات نیز برای کلمه (قوة) تفسیرهای گوناگونی آمده که از وسعت مفهوم این کلمه حکایت می‌کند، مثلاً در بعضی از روایات می‌خوانیم که پیامبر(ص) فرمود منظور از قوة "تیر" است. و در روایت دیگری که در تفسیر "علی بن ابراهیم" آمده که منظور از آن هر گونه اسلحه است. و باز در روایتی که در تفسیر عیاشی آمده منظور از آن شمشیر و سپر بیان شده (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۶۴) در برخی از موارد خضاب را نیز از مصادیق آن برشمرده اند. پس می‌توان گفت که (قوة) معنای وسیع و گسترده ای دارد و قدرت در تمام ابعاد را شامل می‌شود. تفسیر نمونه در این مورد می‌گوید: «کلمة قوة... نه تنها وسایل جنگی و سلاحهای مدرن هر عصری را دربرمی‌گیرد بلکه تمام نیروها و قدرتهایی را که به نوعی از انواع در پیروزی بر دشمن اثر دارد شامل می‌شود، اعم از نیروهای مادی و معنوی... از قدرتهای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی که آنها نیز در مفهوم قوه مندرج هستند و نقش بسیار مؤثری در پیروزی بر دشمن دارند نیز نباید غفلت کرد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۲۲۲)

۲. دلایل حرمت ساخت سلاح هسته ای از دیدگاه امام خامنه ای

برای تحلیل صحیح فتوای حرمت ساخت سلاح هسته ای از دیدگاه رهبر شهید باید فرمایشات و بیانات ایشان در این خصوص به طور دقیق مورد بررسی قرار گیرد و ادبیات صدور فتوا مورد کنکاش قرار گیرد تا بتوانیم ثابت بودن یا تغییر پذیری در مورد آن را نتیجه گیریم. از این روی ادبیات صدور فتوا و دلایل مختلفی که از سوی ایشان بیان شده مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۱-۲. ادبیات تحریم در بیانات رهبری

در پیام ۲۸ فروردین ۱۳۸۹ به «نخستین کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح هسته‌ایو عدم اشاعه» گرچه نسبت به تولید و انباشت سلاح هسته‌ای و حتی سایر سلاحهای کشتار جمعی اعلام خطر نموده و خواستار خلع سلاح عمومی در این زمینه گردیده است، لیک آنچه به عنوان حکم شرعی حرام اعلام شده کاربرد سلاح اتمی است. در مهرماه ۱۳۹۸ در دیدار جمعی از نخبگان و استعدادهای برتر علمی کشور تأکید کردند: ما با وجود اینکه می‌توانستیم در این راه قدم برداریم، بر اساس حکم اسلام عزیز کاربرد این سلاح را حرام قطعی شرعی اعلام کردیم، بنابراین هیچ دلیلی ندارد که برای تولید و نگهداشت سلاحی که استفاده از آن مطلقاً حرام است، هزینه کنیم. و باز تأکید می‌کنند که: "جمهوری اسلامی هیچ اصراری هم ندارد که در دفاع خودش در این قضیه خیلی احساسات به خرج بدهد؛ نه، ما اعتقاد به بمب اتم نداریم، به سلاح اتمی نداریم؛ دنبالش هم نخواهیم رفت. برطبق مبانی اعتقادی ما، مبانی دینی ما، به کار بردن اینگونه وسایل کشتار جمعی اصلاً ممنوع است، حرام است؛ این، ضایع کردن حرث و نسل است که قرآن آن را ممنوع کرده؛ ما دنبال این نمی‌رویم. (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران ساخت ناوشکن جماران ۱۳۸۸:۱۱:۳۰) همانگونه که ملاحظه می‌شود موضوع فتوای این دو پیام بکارگیری سلاح اتمی است و نه ساخت آن.

و نیز می‌فرمایند: "جمهوری اسلامی ایران استفاده از سلاح هسته‌ای و شیمیایی و نظائر آن را گناهی بزرگ و نابخشودنی میداند. ما شعار «خاورمیانه‌ی عاری از سلاح هسته‌ای» را مطرح کرده‌ایم و به آن پایبندیم. این به معنی چشم‌پوشی از حق بهره‌برداری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و تولید سوخت هسته‌ای نیست. استفاده‌ی صلح‌آمیز از این انرژی، بر اساس قوانین بین‌المللی، حق همه‌ی کشورها است..." (شانزدهمین اجلاس سران عدم تعهد، ۹:۶:۹۱ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47392>)

البته در مواردی به تولید هم اشاره نموده‌اند مثلاً در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام در ۹۴/۱/۲۰ فرمودند ما به دنبال آزمایش هسته‌ای نیستیم، دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم؛ نه به‌خاطر اینکه آنها می‌گویند، [بلکه] به‌خاطر خودمان، به‌خاطر دینمان و به‌خاطر عقلمان. هم فتوای شرعی ما این است، هم فتوای عقلی ما این است. فتوای عقلی ما هم این است که ما امروز و فردا و هیچ وقت به سلاح هسته‌ای احتیاج نداریم؛

دلیل اصلی نظریه حرمت ساخت و انباشت سلاح هسته ای یک برهان مبتنی بر حرمت استفاده از آن می باشد بدین بیان که: استفاده از سلاح کشتار جمعی اعم از هسته ای ، شیمیایی و... حرام است، و اگر قرار باشد مورد استفاده قرار نگیرد ساختن آن لغو و بیهوده و حتی ممکن است موجب زیان باشد. پس ساخت آن نیز حرام است. بنا بر این برای حرمت ساخت سه دلیل در بیانات ایشان قابل رصد است.

۲-۲. تغییر پذیری حکم

برای ارزیابی امکان تغییر پذیری این فتوا ابتدا باید دید آیا این فتوا به عنوان یک حکم اولیه مولوی صادر شده است تا ثابت و غیر قابل تغییر باشد؟ یا با عناوین ثانویه و با ملاحظات جانبی. در سخنان امام خامنه ای قرائن و شواهدی وجود دارد که برداشت حرمت شرعی نفسی مولوی آن را مورد سوال قرار می دهد و این نظریه را که فتوای به حرمت به عنوان حکم ثانویه است را تقویت می نماید:

در بیانات رهبر فقید چنین آمده است که چون ساخت سلاح هسته ای مقدمه برای کاربرد آن است و از آنجا که کاربرد آن حرام شرعی است پس ساخت آن نیز حرام است. حرمت مقدمه یک حکم غیر است نه نفسی و ذاتی. توضیح این که حرمت ساخت آن به دلیل ضرری بودن ، لغوی بودن و یا به دلیل این است که مقدمه و ابزار برای کاربرد آن است که ارتکاب عملی شنیع و منجر به کشتار جمعی می شود. حرمت در فرض اول دائر مدار ضرر و در فرض دوم منوط به لغو بودن است. اما در فرض سوم که مقدمه برای حرام است، این حرمت مبتنی بر این اصل اصولی است که مقدمه حرام را حرام شرعی بدانیم در حالی که مشهور اصولیان شیعه مقدمه حرام را دارای حرمت مولوی شرعی نمی دانند (نک. سبحانی، ۱۴۲۵، ص ۲۱۰؛ آخوند خراسانی، بیتا، ج ۱، ص ۱۲۸؛ نائینی، بیتا، ج ۱، ص ۲۸) و می گویند مثلاً کشتن انسان حرام است و جرم، اما ساختن اسلحه که ابزار و مقدمه آن است حرمت ندارد.

در نتیجه داشتن این سلاح اعم از کاربرد غیر مجاز آن است و دلیل حرمت کاربرد نمی تواند دال بر حرمت ساخت باشد؛ زیرا این دلیل اخص از مدعا بوده و جامع افراد نیست. پس در صورتی ساختن آن حرام است که عنوان ضرری یا بیهوده بودن یا اسراف را داشته باشد. و البته در غیر این صورت حرام نمی باشد و امکان تغییر این فتوی وجود دارد. شواهدی نیز وجود دارد که این برداشت را تایید می نماید.

۲-۲-۱. شواهد و قرائن ثانوی بودن فتوا

در بیانات رهبر شهید جملات و کلمات کلیدی وجود دارد که می تواند شاهی بر ادعای فوق باشد.

۲-۲-۱-۱. تعلیق عدم ساخت به تعهد سایر کشورها؛

رهبر فقید هرگاه از منع اخلاقی، عقلی و شرعی ساخت، سخن بمیان آورده اند، در کنار آن ضرورت الزام سایر کشورها به خلع سلاح هسته ای و سایر سلاحهای غیر متعارف را نیز مطرح نموده اند. این گونه عبارات نه به صراحت اما به نوعی تعلیق نمودن خویشتن داری ایران از ساخت سلاح اتمی بر خلع سلاح سایر قدرتهای منطقه است؛ زیرا به حکم عقل و نیز طبق آیه قرآن که دستور به تمهید انواع سلاحها برای باز دارندگی در مقابل دشمن می نماید، برای حفظ کشور از تهدیدات بالفعل و بالقوه، توازن قوا امری لازم و اجتناب ناپذیر است. بنا براین، اگر سایر قدرتهای منطقه و از جمله کشورهای معاند که همواره خطر حمله آنها وجود دارد تن به خلع سلاح اتمی ندهند، عبث بودن ساخت آن و مضر بودن آن چه بسا به ضرورت ساخت در راستای تقویت بازدارندگی تبدیل شود. پس فتوای حرمت ساخت به حکم عقل است و بنا به مصالحی که عقل درک می کند و نه به دستور شرع به عنوان این که شارع است.

۲-۲-۱-۲. عارضی بودن عناوین لغو، مضر و اسراف

لغو بودن ساخت این سلاح و مضر بودن آن عناوینی ثانوی است نه این که در ذات آن باشد. به دیگر سخن، سلاح هسته ای به عنوان یک سلاح، حرمت ساخت ندارد بکله مصداق واژه "قوه" در آیه شریفه است که داشتن آن توصیه شده است. اما چون عنوان لغوی و ضرری بر آن بار شده است حرام است و بقای چنین حکمی دایر مدار وجود و فقدان آن عنوان ثانوی است. حال اگر موردی پدید آمد که امکان استفاده از این سلاح باشد بدون عوارض جانبی یاد شده از قبیل کشتار غیر نظامیان و کشتار حیوانات، در این صورت دیگر استفاده از آن لغو و حرام نیست.

۲-۲-۱-۳. ابتدای حرمت شرعی ساخت بر حکم عقل

در بیانات رهبری آنجا که سخن از حرمت ساخت است، اساس آن حکم عقل است و حرمت شرعی آن مبتنی بر حرمت عقلی است و حکم شرع در این مورد حکمی ارشادی است و بقای شرعی آن حکم دایر مدار

حکم عقل است. از دیگر سوی، در مورد ممنوعیت عقلی ساخت آن علتی را بیان نموده می‌فرمایند "ما امروز و فردا و هیچ وقت به سلاح هسته ایاحتیاج نداریم؛" بنا براین، علت ممنوعیت ساخت آن، لغویت چنین عملی است چه این که اولاً به آن احتیاج نداریم و هیچ گاه نمی‌خواهیم از آن استفاده کنیم و بعلاوه داشتن سلاح اتمی در آن شرایط موجب ضرر و آسیب برای کشور بوده است همانگونه که معظم له در جایی دیگر اشاره می‌کنند: "زیرا دستیابی به سلاح هسته ای بر خلاف منافع سیاسی و اقتصادی کشور و مخالف دستورهای دین اسلام است." مفاد این عبارات به خوبی گویای این حقیقت است که بین ساخت و کاربرد تفاوت وجود دارد. چه این که ساخت اساساً حکم عقلی و مبتنی بر بی‌خاصیتی و عبث بودن و بلکه مبتنی بر ضرر داشتن برای جامعه در آن برهه زمانی است و چنین احکامی ماهیتاً ارشادی هستند و تابع ملاکات عقلی (نک. مشکینی، ۱۳۷۱، ص ۷۵) که با تغییر موضوع و شرایط می‌تواند تغییر یابد نه این که حکم شرعی مولوی باشد تا بگوییم "حلال محمد حلال الی یوم القيامة" (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۸).

آنچه از مطالب پیش گفته قابل استنباط است این است که هر گاه عناوین پیش گفته در ساخت این سلاح وجود نداشته باشد نمی‌توان آن را محکوم به حرمت دانست؛ بلکه در آن موارد عموم آیه سوره انفال و سایر ادله صحت ساخت و تهیه تمام انواع جنگ افزار و تمام قابلیت‌های بازدارنده جاری و ساری است. نمونه هایی از امکان استفاده از آن را می‌توان استفاده از بمب تاکتیکی که از قدرت تخریبی بالایی برخوردار است اما شعاع تخریب آن کمتر است نام برد. در این صورت آسیبهای جانبی که موجب حرمت استفاده از آن و در نتیجه لغویت ساخت آن بود ندارد. همچنین ممکن است در صورت لزوم از این سلاح در بیابانهای خالی از سکنه و حیوانات استفاده شود. همچنین ممکن است حکومت اسلامی در حالت اضطرار قرار گیرد. مثلاً دشمن تهدید هسته ای نماید یا از سلاح هسته ای استفاده نماید و مصمم باشد تا سرنگونی نظام اسلامی و تجزیه کشور اسلامی و با اتکا به برتری تسلیحاتی و برخورداری وی از سلاح هسته ای ادامه دهد. در این صورت چه بسا دولت اسلامی نیز مضطر به استفاده از آن شود. در این صورت روشن است که عنوان لغویت و بیهودگی خود به خود کنار می‌رود و بین دو قاعده لاضرر با اضطرار تزامم رخ می‌دهد که ممکن است ترجیح با استفاده باشد یا هر دو قاعده تساقط نمایند و در نتیجه به عموم ادله جواز یا به اصل برائت مراجعه شود.

شاهد این مدعا تنقیح مناط از ادله تجویز ترس است. ترس از ماده ترس و به معنای سپر گرفته شده است و مفهوم آن این است که دشمن جمعی از مسلمانان بی گناه و بی دفاع را سپر خود قرار داده باشد. دشمن اگر قصد حمله دارد و آثار حمله اش سنگین پیش بینی می شود، چنانچه وی برای اینکه مانع دفاع مسلمانان شود به عده ای از مسلمانهایی که در دست او اسیرند تترس نماید و آنها را سپر دفاعی خود قرار به طوری که اگر مسلمانان بخواهند تیراندازی کنند یا شمشیر بزنند، اول افراد آن سپر انسانی کشته می شوند، این محذور بوجود می آید که آیا به خاطر این مسلمانهایی که سپر قرار گرفته اند باید دست از جنگ با دشمنان کشید که طبیعتاً زمینه تجاوز و هجوم دشمن فراهم می شود و چه بسا عواقب جبران ناپذیری برای جامعه اسلامی داشته باشد و یا اینکه باید جلو دشمن استاد و جنگید که در این صورت ابتدا همان مسلمانهای بی گناهی که سپر قرار گرفته اند باید برداشته شوند تا دسترسی به دشمن میسر گردد؟ در حقیقت در اینجا دو حکم تکلیفی مسلم با یکدیگر تراحم می نمایند. یکی حرمت جان مسلمان که یک حق فردی است و دیگر لزوم مقابله با دشمن و حفظ جامعه اسلامی از تجاوز دشمن که حق اجتماعی است. فقها در این مورد فرموده اند که اگر خطری که از دشمن پیش بینی می شود عظیمتر است از ضرر کشتن این مسلمانها، باید این مسلمانها را کشت و آنها شهید در راه خدا محسوب می شوند. (نک مطهری ۱۳۸۳، ج ۲۱، ص ۲۹۰) صاحب جواهر در این زمینه می فرماید: «و لو تترسوا بالنساء و الصبیان منهم و نحوهم ممن لا یجوز قتله منهم کالمجانین کف عنهم مع امکان التوصل إلیهم بغیر ذلک للمقدمه، و إلا جاز و إن استلزم قتل الترس، خصوصاً إذا خیف من الکف عنهم الغلبه... و کذا لو تترسوا بالأساری من المسلمین و إن قتل الأسیر إذا لم یمكن جهادهم إلا کذلک» «اگر کفار در جنگ زنان و بچه های خود و کسانی که کشتن آنها جایز نیست همچون مجانین را سپر قرار دهند، اگر امکان دسترسی به کفار بدون کشتن این افراد باشد، باید از کشتن افرادی که سپر قرار داده شده اند، خودداری نمود در غیر این صورت کشتن آنها جایز است خصوصاً زمانی که رها کردن کفار موجب غلبه آنها بر مسلمانها بشود... و همچنین است اگر اسیران مسلمان را سپر قرار بدهند، که در صورتی که امکان جهاد با آنها بدون قتل این افراد امکان پذیر نباشد، هدف قرار دادن آنها جایز است.» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۶۸)

حال در محل بحث اگر سپاه اسلام به هر دلیلی ولو از روی اضطرار مجبور به استفاده از سلاح اتمی باشد و متوقف نمودن دشمن از تجاوز، بمباران و کشتار جز با تهدید هسته ای یا حتی استفاده از آن ممکن نباشد، حتی

در موردی که منجر به کشته شدن بعضا افراد بیگانه و غیر نظامی شود، آیا باز هم استفاده از این سلاح حرام است یا می توان از قاعده ترس استفاده نمود و چنین گفت که کشته شدن تعدادی از غیر نظامیان مفسده کمتری دارد تا دست روی دست گذاشتن و دادن اجازه به دشمن تا از هر گونه امکانات و اسلحه ای که در اختیار دارد از جمله سلاح اتمی، شیمیایی و میکروبی استفاده کند و هزاران نفر از شهروندان جامعه اسلامی را به خاک و خون بکشد؟

نتیجه

از مجموع سخنان امام خامنه ای شهید در زمانهای مختلف می توان چنین برداشت نمود که بین ساخت و استفاده سلاح هسته ای تفاوت وجود دارد و ماهیت فتوای ایشان در این دو مورد متفاوت است. حرمت در مورد استفاده، مولوی شرعی، حکم اولیه و فتوای ثابت است. این فتوی اخبار از حکم واقعی الاهی و به استناد ادله شرعی و متخذ از دستگاه اجتهاد احکام شرعی است. اما مسئله در مورد ساخت آن متفاوت است. ایشان اولاً جز یک مورد، هرگاه حرمت شرعی را مطرح نموده اند، آن را در مورد کاربرد استفاده نموده اند. اما در خصوص ساخت فقط در یک مورد حرمت را مطرح نموده اند و آن هم مستند به حکم عقل می باشد. بعلاوه علت آن حرمت نیز بیان شده است که لغو بودن، مضر بودن و یا اسراف بودن آن است. پس می توان چنین برداشت نمود که حرمت ساخت از دیدگاه آن شهید بخاطر عارض شدن این عناوین یعنی اسراف، لغویت یا ضرری بودن است نه این که ذاتاً حرام باشد. در نتیجه در صورت برداشته شدن این عناوین، حکم تغییر می کند. در این صورت، عموم ایه ۶۰ انفال و سایر ادله ترغیب نسبت به تهیه و تمهید سلاح های مدرن به منظور بازدارندگی، مرجع استنباط حکم برای فقیه می باشد، بعلاوه اصل براءت که دال بر جواز آن است. پس می توان گفت در صورتی که عناوین فوق تغییر یابد و برداشته شود، ساخت آن جایز است. برای نمونه می توان تغییر لغویت آن را با فرض امکان استفاده از سلاح هسته ای تاکتیکی یا از باب قاعده ترس تصور نمود، یا در صورت تحقق اضطرار. بنا بر این امکان تغییر فتوای هسته ای در شرایط یاد شده وجود دارد.

این مقاله می تواند گامی در جهت بازخوانی تحلیل فتوای هسته ای، بازتبیین ماهیت فقهی آن و زمینه ای برای باز نگری در دکتربین هسته ای جمهوری اسلامی تلقی شده و سکویی ابتدایی برای پژوهشهای بیشتر در این زمینه باشد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی بن محمد (۱۴۰۷ ق). زاد المسیر فی علم التفسیر. بیروت: دارالفکر.
۳. ابن فارس، احمد (۱۹۷۹ م). معجم مقاییس اللغة (تحقیق عبدالسلام محمد هارون). قم: دارالفکر.
۴. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). لسان العرب. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۵. آخوند خراسانی، محمدکاظم (بی تا). کفایة الاصول. قم: مؤسسه آل البيت.
۶. آمدی، عبدالواحد (۱۴۱۰ ق). غررالحکم و دررالحکم (تصحیح مهدی رجایی). قم: دارالکتب الاسلامی.
۷. بجنوردی، میرزاحسن (۱۳۷۷ ش). القواعد الفقهیه. قم: مطبعة الهادی.
۸. پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری (www.khamaneh.ir).
۹. پورامینی، محمدحسین (۱۴۰۲). فتوای هسته ای. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ ق). وسائل الشیعة. تهران: مکتبه الاسلامیه.
۱۱. خمینی، روح الله (۱۳۷۴). صحیفه نور (تدوین کبری اسدی مقدم). تهران: ذکر.
۱۲. رشید رضا، محمد (۱۹۹۰ م). تفسیر القرآن الکریم. [بی جا]: الهیئة المصریة العامه للکتاب.
۱۳. سبجانی، جعفر (۱۴۲۵ ق). اصول الفقه المقارن. قم: مؤسسه الامام الصادق.
۱۴. سلیمانی، رضا و حسینی، سیده فاطمه (۱۴۰۰). ادله فقهی حرمت ساخت و به کارگیری تسلیحات هسته ای در راهبرد بازدارندگی اسلام. رهیافت سیاسی و بین الملل، دوره ۱۳ (۱)، ۲۰۷-۲۳۶.
- 10.29252/piaj.2021.221661.1069
۱۵. سیوطی، جلال الدین (۱۳۶۵). الدر المنثور. جده: دارالمعرفه.
۱۶. شهابی سیرجانی، فرهاد (۱۳۹۳). فتوای رهبری در مورد سلاح های تخریب جمعی، سرچشمه، اهمیت و تأثیرات. روابط خارجی، ۶ (۲)، ۶۹-۹۶. [20.1001.1.20085419.1393.6.2.3.5](https://doi.org/10.1001.1.20085419.1393.6.2.3.5).
۱۷. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴ ش). المیزان فی تفسیر القرآن (ترجمه محمدباقر موسوی). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۹. عروسی حویزی، عبدعلی (۱۴۱۵ ق). تفسیر نور الثقلین. قم: اسماعیلیان.
۲۰. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۴ ق). تذکره الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت.
۲۱. علی دوست، ابوالقاسم (۱۳۹۲). فقه تولید، انباشت و کاربرد سلاح های غیرمعارف با محوریت فقه امامیه. حقوق اسلامی، ۱۰ (۳۸)، ۷-۲۸.
۲۲. فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۳۹۲). تولید و استفاده از سلاح های کشتار جمعی. حقوق اسلامی. ۱۰ (۳۹)، ۷-۳۴.
۲۳. قاسمی، فرهاد (۱۳۹۹ ش). اصول روابط بین الملل. تهران: میزان.
۲۴. قربانی لاهیجی، زین العابدین (۱۳۸۰ ش). تفسیر جامع آیات الاحکام. تهران: نشر سایه.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). الکافی. قم: الاسلامیه.
۲۶. مشکینی، میرزاعلی (۱۳۷۱). اصطلاحات الاصول. قم: دفتر نشر الهادی.
۲۷. مصباحی، غلامرضا (۱۳۶۹ ش). مجموعه مقالات فارسی اولین مجمع بررسی های اقتصاد اسلامی (اهداف اقتصاد اسلامی). مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
۲۸. مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). مجموعه آثار. تهران: چاپ فجر.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ ش). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲ ش). برگزیده تفسیر نمونه (ترجمه احمدعلی بابایی). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰ ق). قواعد فقهیه. قم: امام علی بن ابی طالب.
۳۲. نائینی، محمدتقی (بی تا). کتاب المکاسب و البیع (مقرر محمدتقی آملی). قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۳. نجفی، محمدحسن (۱۳۶۰). جواهر الکلام (چاپ سوم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ ق). جواهر الکلام. بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۲۱، ص ۶۸.
۳۵. ید الهی، رضا (بهار ۱۳۹۹). مبانی و اصول دفاعی جمهوری اسلامی ایران از منظر قرآن کریم. مطالعات دفاعی استراتژیک، دوره ۱۸، شماره ۷۹، ۳۱۱-۳۳۰. [20.1001.1.20084897.1399.18.79.13.9](https://doi.org/10.1001.1.20084897.1399.18.79.13.9).
36. Official Website of the Supreme Leader (www.khamenei.ir). Accessed: [Insert Date].
37. Speech content ID 47392 (9/6/1391 SH). Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47392>.